

## بررسی رابطه بین کارکردهای سبک تفکر با سن، جنسیت و انگیزش

### پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور

سیده فروغ سیدین ناوان<sup>۱</sup> دکتر مهدی شریعتمداری<sup>۲</sup>

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین جنسیت و سن دانشجویان و کارکردهای سبک‌های تفکر آنان با انگیزش پیشرفت تحصیلی میان دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور واحد رشت بوده است. روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور واحد رشت در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در حدود ۷۰۰۰ نفر می‌باشند بود که با مراجعه به جدول مورگان تعداد ۳۶۵ نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده انتخاب شد. که از این بین ۵۵ درصد زن و ۴۵ درصد مرد بودن. برای سنجش کارکردهای سبک‌های تفکر از پرسشنامه استاندارد سبک تفکر استرنبرگ و برای سنجش انگیزش پیشرفت تحصیلی از پرسشنامه استاندارد انگیزش پیشرفت هرنش و ویرایش شده استفاده شد. روایی پرسشنامه از طریق روایی صوری و محتوایی و پایایی آنها با اجرای آزمایشی پرسشنامه در نمونه‌ای با حجم ۳۰ نفر از طریق آلفای کرونباخ برای پرسشنامه کارکردهای سبک تفکر قانونگذار برابر با ۰.۸۲۲، کارکردهای سبک تفکر اجرایی برابر با ۰.۸۹۰، کارکردهای سبک تفکر قضاوتگر برابر با ۰.۷۹۲، و برای پرسشنامه انگیزش پیشرفت ۰.۸۶ برآورد گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در آمار استنباطی از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، آزمون ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داده است که در دانشجویان دختر، رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود. و در دانشجویان پسر، رابطه تفکر اجرایی و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت کمتر بود. همچنین؛ در دانشجویان سنین ۱۸ الی ۲۳ سال، رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود. در دانشجویان سنین ۲۳ الی ۲۸ سال، رابطه تفکر اجرایی و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود. در دانشجویان سنین ۲۸ الی ۳۳ سال، رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت کمتر بود. در دانشجویان سنین ۳۳ سال به بالا، رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود.

واژگان کلیدی: جنسیت، سن، سبک‌های تفکر، انگیزش پیشرفت تحصیلی

## مقدمه

نظریه ها و مدل های بسیاری برای توصیف و تبیین تفاوت های افراد، در زمینه ی یادگیری ارایه شده است. تمامی این نظریه ها و مدلها در این موضوع توافق دارند که تفاوت های قابل توجهی در روش یادگیری و پردازش اطلاعات افراد، وجود دارد. این موضوع نشان می دهد که افراد به طور یکسان به جهان نمی نگرند و ممکن است هر فردی نسبت به دیگری در شیوه ی یادگیری و تعامل با جهان بیرونی، رویکرد متفاوتی داشته باشد.

انسان ها در ابعاد مختلف، دارای تفاوت هایی هستند که در توانایی ها، استعدادها، رغبت ها و سرانجام سبک تفکر نمود پیدا می کند. توجه به این تفاوتها باعث می شود که افراد در مسیر تحصیلی و شغلی مناسب هدایت شوند. شاید مهمترین مسأله ای که باید به آن آگاه و هوشیار بود، وجود سبک های تفکر متفاوت در افراد است. بی توجهی به سبک های تفکر در موقعیت های مختلف منجر به این می شود مهمترین و با ارزش ترین استعدادها و سرمایه های بالقوه حذف یا نادیده گرفته می شود.

رابرت استرنبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) شیوه های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را به عنوان "سبک های تفکر" نامگذاری کرده است. از نظر وی، سبک تفکر، روش رجحان یافته ی تفکر است. سبک تفکر توانایی<sup>۲</sup> نیست، بلکه روش بیان یا کاربرد یک یا چند توانایی است. توانایی، به خوب از عهده ی کاری برآمدن اشاره دارد، در حالی که سبک، به اینکه فرد دوست دارد چگونه کار را انجام دهد، دلالت می کند.

استرنبرگ (۱۹۹۷) بر اساس نظریه ی "خود حکومتی ذهنی"<sup>۳</sup> سیزده سبک تفکر ذهنی را مطرح می کند. نظریه ی خود حکومتی ذهنی، به اداره یا کنترل فعالیت های روزمره ی زندگی مربوط است، بدین معنی که افراد نیاز دارند به طریقی فعالیت های روزمره خود را در منزل، مدرسه، محل کار و دیگر موقعیت ها کنترل یا اداره کنند. از نظر استرنبرگ، دو فرد با توانایی یکسان، ممکن است سبک های تفکر متفاوتی داشته باشند. سبک های مختلف، نه خوب هستند نه بد، بلکه متفاوتند. افراد، نیمرخی از سبکها، یعنی مقدار متفاوتی از هر سبک را دارا هستند. برای نمونه، بعضی از افراد دوست دارند کارها را به روش خودشان انجام دهند. این افراد دارای سبک قانونگذارانه یا ابداعی هستند، در حالیکه بعضی دیگر دوست دارند از روش های موجود برای حل یا انجام یک که مساله یا کار، استفاده کنند. این افراد دارای سبک اجرایی هستند. آنها ترجیح می دهند که از عقاید و روش های دیگران پیروی کنند نه اینکه خود، عقاید و روش هایی ابداع کنند. دسته ی دیگر، دوست دارند بر کارها روش های دیگران نظارت داشته باشند و عقاید و کارهای دیگران را تحلیل و ارزیابی کنند. این افراد دارای سبک قضاوتگر یا ارزشیابانه هستند و معمولاً به عنوان داور یا منتقد عمل می کنند تا اینکه مجری نظرات و روش های دیگران باشند. درک سبک های تفکر، به فرد کمک می کند تا بداند که چرا بعضی فعالیت ها برای او مناسب هستند و بعضی دیگر نامناسب.

<sup>1</sup> . Robert Strenberg

<sup>2</sup> . Ability

<sup>3</sup> . Mental- Self government

بنابراین، سطوح مختلف آموزشی و حیطه های مختلف درسی، سبک های مختلف تفکر را اقتضا می کند. موضوعی که می تواند در طی دوره های تحصیلی یا شغلی موجب عملکرد بهتر یا ضعیف تر شود.

روان شناسان، ضرورت توجه به انگیزش در تعلیم و تربیت را، به دلیل ارتباط مؤثر آن با یادگیری جدید، مهارتها، راهبردها و رفتارها متذکر شده اند و یکی از سازه های اولیه ای که برای تبیین این انگیزش ارائه کرده اند، انگیزش پیشرفت تحصیلی است. انگیزش پیشرفت تحصیلی به رفتارهایی اطلاق می شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می گردد (یوسفی، قاسمی نیا و فیروزنیا، ۱۳۸۸). سبکهای تفکر نیز یکی از متغیرهای مؤثر در انگیزه پیشرفت به شمار می آیند. یکی از مسایل اساسی آموزش و پرورش در عصر حاضر، چگونگی تربیت دانش آموزان به گونه ای است که سبکهای تفکر آنها با شرایط پیچیده و بسیار متغیر دنیای کنونی و شرایط پر چالش آینده، متناسب و هماهنگ باشد (قورچیان و دیگران، ۱۳۷۸).

### متغیرهای مؤثر در شکل گیری سبکهای تفکر

متغیرهایی که در تحول سبکهای تفکر تأثیر دارند، عبارتند از:

#### ۱- فرهنگ

اولین تغییری که در تحول سبکهای تفکر نقش دارد فرهنگ است. بعضی فرهنگها به بعضی از سبکهای تفکر بیشتر اهمیت می دهند. برای مثال: در آمریکای شمالی بیشتر تأکید بیشتر روی نوآوری و ایجاد فرصت های مناسب باعث می گردد که سبکهای قانونگذار و آزاداندیش حداقل در میان بزرگسالان اهمیت بیشتری داشته باشد. جامعه ای که بر همنوایی و آداب و رسوم و سنن تأکید دارد، دچار ایستایی می شود. زیرا اعضاء خود را به این نوع سبکهای تفکر وادار می کند.

در برخی از فرهنگها به کودکان از سالهای اولیه آموزش می دهند که در مورد اعتقادات مذهبی سؤال نکنند. و یا درباره ی حکومت، همینطور، والدین نمی خواهند فرزندانشان را در زندان ببینند. برای مثال در کشور کره جنوبی و چین نتیجه ی سؤال کردن درباره حاکمیت، حبس و زندان است. لذا والدین حساسیت زیادی به تشویق و ترغیب تفکر محافظه کارانه دارند تا تفکر آزادیخواهانه. در جوامع دیگر کودکان تشویق می شوند در مورد آنچه آموزش می بینند بیشتر سؤال کنند. (استرنبرگ، ۱۹۴۹؛ به نقل از اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶).

متغیر دیگری را در نظر بگیرید که در بین فرهنگها متفاوت است - فردگرایی - جمع گرایی. این متغیر به عنوان عامل اصلی در درک تفاوت های مهم در ارزشهای بین فرهنگها کاربرد وسیعی دارد. این بعد مربوط می شود به میزان توجهی که فرهنگ به نیازها و علایق فردی افراد مبذول می دارد تا علایق و نیازهای جمعی.

اعضاء فرهنگهای فردگرا خود دارای وجودی مستقل و مجزا از دیگران فرض می کنند اعضاء فرهنگهای جمع گرا خود را در مقابل با دیگران می بینند، در این فرهنگ افراد اهمیت یادی برای نقش های کنش اجتماعی که فرد را به گروه بزرگتر مرتبط

می‌سازد، قائلند. ماتسوموتو<sup>۱</sup> در مورد فهرستی که با همکارانش برای ارزیابی و تشخیص فردگرایی - جمع گرایی به کار برده‌اند، توضیح داده است.

افرد جمع گرا معتقدند که باید نیازهایشان با آنچه برای دیگران اهمیت دارد، همسو باشد، فرد جمع گرا برای رسیدن به خود کنترلی به سوی دیگران سوق می‌یابد و در قبال موفقیت‌های دیگران کسب اعتبار می‌کند و از شکست آنان احساس گناه می‌کند، افرادی که در فرهنگهای فردگرا زندگی می‌کنند، این ویژگی‌ها را کمتر بروز می‌دهند. اگرچه روحیه درون گرایی و برون گرایی در هر نوع فرهنگ یافت می‌شود، اما طبیعت خاص فرهنگها نشان می‌دهد که از ارزشهای درون گرایانه بیشتر در کشورهای فردگرا و ارزش‌های برون گرایانه بیشتر در کشورهای جمع گرا وجود دارد. چرا؟ چون در نظام ارزشی فرهنگ فردگرایی، نظام ارزشی فرد به خودی خود دارای ارزش است. در فرهنگ جمع گرایی زندگی فردی از طریق گروه‌هایی که فرد عضوی از آن است نشأت می‌گیرد. به طوری که تعریف فرد بدون مراجعه به این گروه‌های خارجی مشکل است. (استرنبرگ، ۱۹۴۹؛ به نقل از اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹-۱۴۶).

## ۲- جنسیت

دومین متغیری که به صورت بالقوه در سبک‌های تفکر نقش دارد، جنسیت است. ویلیام و بست<sup>۲</sup>، مطالعه ای را روی صفات و ویژگی‌های زنان و مردان ۳۰ کشور انجام داد. این صفات، صفاتی بودند که به طور قابل ملاحظه‌ای در این افراد پایدار بودند. باری، پورتیگا، سگال و دانسین<sup>۳</sup>، معتقدند که پایداری در رفتارهای کلیشه‌ای جنسی آن چنان زیاد است که ما تنها چند نمونه از همگامی‌های فرهنگی را می‌توانیم ببینیم.

برای مثال: جنس مذکر به عنوان افراد ماجراجو، متحور، فردگرا، متبکر و پرخاشگر معرفی می‌شوند. این کلیشه‌ها بیشتر برداشت‌ها را نشان می‌دهد تا واقعیتها را. و آنها ممکن است اساس واقعی داشته باشند یا نداشته باشند.

اما وقتی ما با جوانان رابطه برقرار می‌کنیم و آنها را طوری که تصور می‌کنیم باید باشند تربیت می‌کنیم. براساس تصورات خودمان با آنها رابطه برقرار می‌کنیم نه براساس واقعیت. بطوری که اگر ما معتقد باشیم که نقش اجتماعی افراد مذکر یک نقش خاص است، بیشتر این تصور ماست که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا این واقعیت که نقش افراد مذکر باید یک نقش خاص باشد.

استرنبرگ معتقد است که صفات، نشانگر تفاوت در سبک‌هایی است که ما آن را در مردها بیشتر از زنان تقویت می‌کنیم، به طور خاص مردها بیشتر برای سبک تفکر قانونگذار، درون نگر و آزادیخواه تشویق می‌شوند. و زن‌ها برای سبک‌های تفکر اجرایی و قضاوتی، برون نگر و محافظه کارانه تشویق می‌شوند. بدین ترتیب زنان و مردان از نظر اجتماعی (احتمالاً از بدو تولد) به شیوه‌های متفاوتی تربیت می‌شوند.

1. Matsumoto

2. Williams and Best

3. Berry, Poortinga, Segal and Dasen

آنچه که به عنوان رفتار مطلوب یا حداقل رفتار قابل قبول می‌تواند در نظر گرفته شود، در زنان و مردان متفاوت است. این یک دلیل غیر رسمی و خوب برای این حقیقت است. از لحاظ تفکر اجرایی زنان و مردان خود را را انتظارات متفاوتی روبرو می‌بینند. در برخی از سازمانها، زنانی که شایستگی بالایی داشته باشند برای ارتقاء مرتبه نادیده گرفته می‌شوند. تفاوت‌های موجود بین سبک تفکر زنان و مردان به ترتیب اجتماعی آنان در فرهنگی که در آن متولد شده‌اند برمی‌گردد. بدین ترتیب که افراد کمتر از آن آگاه هستند، به عنوان مثال از هنگام کودکی رفتار ما با پسران و دختران متفاوت است. می‌دانیم که زنان و مردان در آزمون‌های مختلف عملکرد متفاوتی از خود نشان می‌دهند. (استرنبرگ، ۱۹۴۹؛ به نقل از اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰-۱۴۹).

۱- جی-توینی<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که در انگلستان دختران نسبت به پسران در امتحان  $11+^{2}$  عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند. اما در کلاس گرامر تعداد پسرها از دختران خیلی بیشتر است. بنابراین آنان این مشکل را با کم کردن نمره قبولی برای دختران حل کردند. بنابراین پسران برای قبولی در مدرسه گرامر باید نمره بالاتری می‌گرفتند.

چنین مواردی نشان دهنده سیستم ارزشی متفاوت در مورد تشویق دو جنس است. البته در بعضی آزمونها مثل تجسم فضایی، مردها نسبت به زن‌ها بهتر عمل می‌کنند. قبل ذکر است که در دانشگاه آکسفورد مردان دو برار زنان رتبه‌های اول را احراز می‌کنند. در حالی که در اوایل سال‌های ۱۹۷۰ زنها در کسب رتبه‌های اول نسبت به مردان پیشی گرفته بودند. یکی از گزارشات عملی در این زمینه که چرا این الگوهای رفتاری متفاوت به وجود می‌آید، بیان می‌کند که پاسخ‌های انشایی زنان بیشتر محتاطانه و محافظه کارانه است و این محافظه کاری در هنگام نمره دادن به ضرر زنان تمام می‌شود.

به عبارت دیگر آن نوع از تفکر که در دوران اولیه زندگی زنان (و نه مردان) تقویت می‌گردد. بعدها این طرز تفکر در زنان و مردان به طرق مختلفی ارزیابی می‌گردد- به طوری که مقالات زنان به علت برخوردار نبودن از عامل ریسک، که پیشتر از آن بر حذر می‌شده‌اند، امتیاز کمتری می‌گیرد. به طور مرسوم الگوی تفکر قانونگذار و آزاد اندیش، بیشتر بین مردان پذیرفته شده است تا زنان. چنین به نظر می‌رسد که مردان قوانین را وضع می‌کنند و زنان آنان را رعایت می‌کنند. اما این سنت در برخی فرهنگ‌ها تغییر می‌کند و این شیوه‌ای است که امور انجام می‌شوند، نه اینکه امور باید انجام شود. (استرنبرگ، ۱۹۴۹؛ به نقل از اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱).

### ۳- سن

سومین متغیر، سن است. قانونگذاری معمولاً از سنین نوباوگی و پیش دبستانی پرورش می‌یابد. این ویژگی جهت پرورش خلاقیت به طور نسبتاً آزاد و سازمان نیافته در مراحل پیش دبستانی و در محیط خانه انجام می‌شود. زمانی که کودکان مدرسه را آغاز می‌کنند، دوره‌ی پرورش قانونگذاری به شدت محدود می‌شود. از کودکان انتظار می‌رود که خود را با ارزش‌های شکل گرفته در مدرسه هماهنگ سازند. معلمان تصمیم می‌گیرند که دانش آموزان چه کارهایی را باید انجام دهند و آنها نیز انجام

<sup>۱</sup>. A.J. Toynbee

<sup>۲</sup>. امتحانی که در مدارس انگلستان در سن ۱۱ سالگی گرفته می‌شود تا مشخص شود که آیا دانش آموزی می‌تواند به به مدارس راهنمایی تحصیلی یا حرفه ای برود یا نه.

می‌دهند. دوران انتخاب موقعیت پیش دبستانی- که در آن کودک انتخاب می‌کرد که چه کاری را چطور انجام دهد- به سر می‌آید.

دانش آموزانی که در مدرسه جهت‌ها و گروه‌بندی‌ها را رعایت نمی‌کنند، غیراجتماعی و حتی نامتجانس به نظر می‌رسند. برخی مشاغل در بزرگسالی قانونگذاری را تشویق می‌کنند. حتی اگر تعلیم چنین مشاغلی امکانپذیر نباشد. برای مثال، فیزیک یا تاریخ دبیرستان معمولاً تا حد زیادی جنبه اجرایی دارد، دانش آموزان به سؤالات پاسخ می‌دهند و یا مسائلی را حل می‌کنند که معلم مطرح کرده است.

اما از فیزیکدانان و مورخان انتظار می‌رود که بیشتر تفکر قانونگذارانه داشته باشند. مشکل اینجاست که ممکن است آنها فراموش کنند که چگونه. بعضی وقتها می‌گوییم که کودکان در مدارس خلاقیت خود را از دست می‌دهند. در واقع آنچه از دست می‌دهند سبک تفکری است که عملکرد خلاق را به وجود می‌آورد. ما نظام پاداشمان را بدون تذکر به دیگران حتی بدون توجه آشکار به تغییرات خودمان تغییر می‌دهیم. مثلاً؛ بها دادن به تفکر قانونگذار در اداره یک مؤسسه برای یک امتیاز اجرایی در سطح بالا و کم بها جلوه دادن سطح پایین اجرایی آن شغل اصلی است که همیشه به کار می‌رود. (استرنبرگ، ۱۹۴۹؛ به نقل از اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۲).

#### ۴- سبک‌های تفکر والدین

چهارمین متغیر سبک‌های تفکر والدین است. آنچه مورد توجه و تشویق والدین قرار می‌گیرد، احتمالاً در سبک‌های تفکر فرزندان منعکس می‌شود. آیا در دوران کودکی والدین به خاطر تفکر قانونگذار و قضاوتگر تشویق شده‌اند یا نه؟ والدین ممکن است در خانه سؤالات گسترده‌ی کودکان را تشویق کنند ولی در مدرسه چنین سؤالاتی تشویق نشود بنابراین هیچ عامل اجتماعی نمی‌تواند منحصراً بر نتایج نهایی تأثیر بگذارد.

آموزش‌های مذهبی بیشتر از طریق والدین به فرزندان ارائه می‌شود و کمتر خود بچه‌ها آن را دنبال می‌کنند والدین می‌توانند بر رشد شیوه تفکر کودکان مؤثر باشند. برخی مذاهب با توجه به تجربه جهان امروز سؤال کردن و مواجه شدن با مسائل را نسبت به سایر مذاهب تشویق می‌کنند. (استرنبرگ، ۱۹۴۹؛ به نقل از اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴).

#### ۵- مدرسه و شغل

آخرین متغیر مؤثر در رشد سبک‌های تفکر، دوران مدرسه و نهایتاً شغل است. مدارس و مشاغل مختلف مشوق سبک‌های تفکر متفاوتی در انسان هستند مؤسس یک کمپانی به طور متفاوتی نسبت به یک کارگر خط تولید تشویق می‌شود. همینطور که افراد برای دنبال کردن زندگی ممکن است با توجه به نظام پاداش خود جنبه‌هایی از سبک‌های تفکر را تشویق یا محدود کنند.

به طور متوسط مدارس در اکثر نقاط جهان احتمالاً سبک تفکر اجرایی، جزئی نگر و محافظه کارانه را تشویق می‌کنند. دانش آموزانی با هوش تلقی می‌شوند که هر چه به آنان گفته می‌شود به درستی انجام می‌دهند. مدارس خود را عامل اجتماعی کننده تلقی می‌کنند. ولی کودکان چگونگی تفکر درباره امور و انجام آن را از طریق فرهنگ می‌آموزند. و این امر نسبتاً نادر

است که استقلال عقلانی تشویق شود مگر در بالاترین سطح تحصیلی مانند فارغ التحصیل درجه دکتری. هر چند حتی در این سطح نیز تفکر قانونگذار به طور خاص تشویق نمی‌شود. (استرنبرگ، ۱۹۴۹؛ به نقل از اعتمادی اهری و خسروی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵).

با توجه به مطالب بیان شده در این بخش به بررسی پاره ای از تحقیقات و پژوهش های انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق اشاره می‌شود:

- سلگی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه سبک‌های تفکر و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، به بررسی پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ تشکیل می‌دهند که از بین آنها ۲۳۰ دانشجو (۱۰۲ پسر و ۱۲۸ دختر) با میانگین سنی ۱۸-۲۲ و انحراف معیار ۱/۷۲ به صورت نمونه گیری تصادفی به عنوان خوشه انتخاب و پرسشنامه‌ها اجرا گردید. در این پژوهش مبنای بررسی پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ بود. سبک تفکر در کل دانشجویان به ترتیب از بیشترین به کمترین عبارت بود از: تفکر قانونی، بیرونی، سلسله مراتبی، قضایی، آناارشی، آزاداندیشی، اجرایی، کلی و محفظه کار، جزئی، الیگارش، درونی و در نهایت تک قطبی. و سبک‌های دختران به ترتیب عبارت بودند از: قانونی، بیرونی، قضایی، سلسله مراتبی، آناارشی، محافظه کار، اجرایی، کلی، الیگارش، آزاد اندیش، جزئی، درونی، تک قطبی. با مقایسه‌ی ترتیب تفکرها می‌توان گفت که همه دانشجویان از نظر کارکرد تفکر قانونی، از نظر شکل تفکر سلسله مراتبی، از نظر سطوح تفکر کلی نگر، از نظر حوزه‌ها تفکر بیرونی و از نظر گرایش تفکر آزاداندیش داشته‌اند.

- جهانشاهی و دیگران (۱۳۹۰)؛ یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد، بین سن و سبک‌های تفکر قانونگذار، اجرایی، کلی نگر، آزاد اندیش و محافظه کارانه رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین بین جنسیت و سبک‌های تفکر اجرایی، قضایی، جزیی نگر، کلی نگر و محافظه کارانه نیز رابطه معنی دار وجود دارد. در کل می‌توان نتیجه گرفت: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که معلمان جوان، قانونگذارتر از معلمان مسن هستند و معلمان مسن اجرایی ترند. بر طبق شواهد موجود، احتمالاً علت این امر این است که جوانان روحیه ای جسورتر، بی باک تر و کنجکاوتر دارند. در حالیکه با افزایش سن و کسب تجربه، افراد، قانونی تر و محافظه کارانه تر می‌شوند. همچنین، به این نتیجه دست یافتیم که معلمان زن اجرایی تر، قضایی تر، محافظه کارتر و جزیی نگرتر از مردان هستند که کاملاً با یافته‌هایی پژوهشی استرنبرگ و گوریگورنکو (۱۹۹۵) همخوانی دارند.

- کشاورزی ارشدی و دیگران (۱۳۹۰)؛ به منظور بررسی تاثیر سبک های تفکر و جنسیت بر هوش هیجانی، ۳۸۰ دانشجوی دختر و پسر، با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای خوشه ای انتخاب و با پرسش نامه های هوش هیجانی و پرسش نامه ی سبک های تفکر، مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در گروه پسران، سبک های تفکر بدون نگر ، اجرایی و درون نگر و در گروه دختران، سبک های تفکر اجرایی، قضاوتگر و قانون گذار

می توانند هوش هیجانی را پیش بینی کنند. به این ترتیب، یافته های پژوهش نشان می دهند که بین هوش هیجانی و پنج سبک تفکر مورد بررسی، همبستگی وجود دارد و سبک های تفکر اجرایی، برون نگر، درون نگر و قضاوتگر می توانند هوش هیجانی را پیش بینی کنند.

- **ابوالقاسمی نجف آبادی و دیگران (۱۳۸۹)**، کارکرد سبک های تفکر و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده های فنی مهندسی و روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، هدف از اجرای این پژوهش مقایسه کارکرد سبکهای تفکر و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده فنی مهندسی و روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران بود. نمونه مورد مطالعه ۲۸۸ دانشجو (۱۴۶ نفر فنی - مهندسی و ۱۴۲ نفر روان شناسی و علوم تربیتی) بود که دانشجویان رشته روان شناسی و علوم تربیتی با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس و دانشجویان رشته فنی - مهندسی از طریق نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. یافته ها از طریق پرسشنامه سبک های تفکر استرنبرگ و واگنر و پرسشنامه خودگزارشی پیشرفت تحصیلی جمع آوری و سپس از طریق روشهای آماری همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و t مستقل تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که در سبک تفکر اجرایی دانشجویان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی و در سبک تفکر قانونگذارانه، دانشجویان دانشکده های فنی - مهندسی بالاتر بودند و در سبک تفکر قضایی تفاوتی بین آنان وجود نداشت. همچنین سبک تفکر اجرایی در بین دانشجویان دانشکده های فنی - مهندسی و سبک تفکر قانونگذارانه در بین دانشجویان دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی بیشترین قدرت پیش بینی پیشرفت تحصیلی را داشته اند و اینکه در سبک تفکر اجرایی و قضایی بین دانشجویان پسر و دختر دانشکده های فنی - مهندسی تفاوت معناداری وجود داشت و در سبک اجرایی دختران و در سبک قضایی پسران بالاتر قرار داشتند و در سبک تفکر قانونگذارانه، دانشجویان پسر دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی بالاتر از دختران قرار داشتند.

- **رضوی (۱۳۸۴)**؛ هدف این مقاله بررسی سبک های تفکر دانش آموزان و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی، جنسیت و سن آنان از دید روانشناسی اجتماعی است. اطلاعات مورد نیاز از میان ۶۰۲ نفر دانش آموز (۲۸۶ دختر و ۳۱۶ پسر) سال دوم و سوم دبیرستانی شهرهای استان فارس با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای - خوشه ای چن مرحله ای و با مقیاس سبک تفکر استرنبرگ (۱۹۹۷) گردوری شده است. کمترین همبستگی میان گویه های ابزار ۰/۳۴ و مقدار آلفای طیفهای ۰/۶۶ مبین معتبر بودن ابزار بوده است. دده های پژوهش با بهره گیری از روشهای آمار



توصیفی، آزمون t، ضریب همبستگی پیسون ( در آزمون تفاوتها و همبستگی ها) و رگرسیون چند متغیری مدل مرحله ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان داده است:

۱. ارتباط سبک تفکر کلی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی و سن، معنادار نبوده اما با جنسیت رابطه ی معنادار داشته است. نمرات سبک تفکر دختران بیش از نمرات سبک تفکر پسران بوده ( $T=2.193, P=0.029$ ) اما پسران کلی نگرتر، محافظه کارتر و قانون گذارتر از دختران بوده اند.

۲- در مجموع دانش آموزان دارای گرایش آزدیخواهانه، پیشرفت تحصیلی بیشتری داشته اند. این نتیجه گیری در مورد پسران صادق ( $p \leq 0.000, r = 0.226$ ) بوده اما درباره دختران مصداق نداشته است. همچنین پسرانی که در بعد عملکرد، تفکر تحلیلی تر (قضایی تر) داشته اند در درس موفق تر بوده اند ( $p \leq 0.042, r = 0.117$ ). این امر در مورد دختران صادق نبوده است.

۳- سبک تفکر کلی و ابعاد آن، با پیشرفت تحصیلی دختران همبستگی معنادار نداشته است. قویترین تبیین کننده پیشرفت تحصیلی دختران، سن آنان به گونه ی منفی بوده است.

۴- دانش آموزانی که سن بیشتری داشته اند، افت تحصیلی آنها بیشتر بوده است. ( $p \leq 0.000, r = -0.161$ ) همچنین با افزایش سن، بر روحیه و تفکر اجرایی (اطاعت پذیری) ( $p \leq 0.015, r = 0.099$ ) و گرایش به محافظه کاری ( $p \leq 0.001, r = 0.130$ ) آنها افزوده شده است. نکته قابل توجه اینکه در بعد عمل، با افزایش سن، پسران تحلیل گرتر (قضایی تر) ( $r = 0.128, p = 0.024$ ) ما دختران اجرایی تر (مطیع تر) ( $p \leq 0.008, r = 0.164$ ) بوده اند.

۵- عوامل سن، تفکر آزدیخواهانه و جنسیت به ترتیب در پیش بینی وضعیت تحصیلی کل دانش آموزان تأثیر اساسی داشته است ( $R = 0.221, R^2 = 0.049, n = 558, AD R^2 = 0.044$ ). بدین ترتیب دانش آموزانی که جوانتر و در سن آموزشی بوده اند، گرایشی آزادی خواهانه تر داشته و دختر بوده اند، پیشرفت بیشتری داشته اند.

۶- در پیش بینی پیشرفت تحصیلی پسران، سبک تفکر آزدیخواهانه و سن، به ترتیب تأثیر اساسی داشته است و در مجموع با داشتن ۲۷ درصد همبستگی توانسته اند در حدود ۷ درصد از نمرات پسران پیشرفت تحصیلی پسران را تبیین کنند ( $R = 0.265, R^2 = 0.070, n = 300, AD R^2 = 0.064$ ).

- **جرمی ژنوز (۲۰۰۶)**، در تحقیقی با عنوان ( بررسی تأثیر سن، جنسیت، مذهب و سبکهای تفکر بر ترک تحصیل ) در آمریکا ۸۳ نفر از دانشجویان دوره لیسانس و بالاتر کالجهای آموزشی با قومیتها و نژادهای مختلف ( سیاه پوست، سفید پوست، دورگه و اسپانیایی) را مورد مطالعه قرار داده است. و به این نتایج دست یافت: بین سن، سبک

تفکر و ترک تحصیل رابطه معناداری مشاهده شده است. دانشجویان سالهای بالاتر نمرات بیشتری نسبت به دانشجویان سالهای پایین تر، در سبک‌های تفکر اجرایی که بیشتر شامل وظایف ساختمان هستند، پیروی می‌کنند، در حالیکه سفید پوستان خواهان فعالیت‌هایی بودند، که خودشان آنها را تنظیم و اداره کرده‌اند. بین جنسیت و سبک تفکر و ترک تحصیل رابطه معناداری مشاهده شد. زنان کمتر از مردان تمایل به ترک تحصیل داشتند، همچنین سبک‌های تفکر زنان بیشتری اجرایی و مردان مایل به سبک تفکر قانون گذار بودند.

- **ژانگ و استرنبرگ (۱۹۹۸)**، رابطه میان سبک‌های تفکر، تواناییها و پیشرفت تحصیلی دانشجویان سال اول دانشگاه هنگ کنگ را بررسی کردند. در این مطالعه آزمودنیها ۶۲۲ دانشجوی سال اول بودند. اطلاعات و داده‌ها از طریق پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ، نمره‌های آزمون ورودی دانشگاه، خودسنجی تحلیلی، آزمون خلاقیت و سطوح توانایی عملی جمع آوری گردید. تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد که: سبک‌های تفکر بیش تر از توانایی‌ها، پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی هستند و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مرد، بطور مثبتی با تفکر تحلیلی رابطه دارد. در حالیکه پیشرفت تحصیلی دانشجویان زن بطور منفی با تفکر تحلیلی و خلاق رابطه دارد. بطور کلی، پیشرفت تحصیلی بالا با سبک‌های محافظه کارانه، سلسله مراتبی، درونی همبستگی مثبت و با سبک‌های قانون گذارانه، آزادمنشانه، بیرونی همبستگی منفی دارد.

با توجه با این که قشر وسیعی از جمعیت کشور را جوانان بویژه، دانش آموزان و دانشجویان تشکیل می دهند و به دلیل اهمیت سبک‌های تفکر در آموزش و یادگیری فراگیران و همچنین انتخاب شغل مناسب و متناسب با سبک تفکرشان بررسی این متغیر و عوامل تأثیرگذار در آن ضروری به نظر می رسد. با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بین سبک‌های تفکر و جنسیت و سن افراد و پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی دانشگاه پیام نور رابطه وجود دارد؟

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ جمع آوری داده های مورد نیاز توصیفی (پیمایشی) است و بر مبنای هدف پژوهش کاربردی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور واحد رشت در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در حدود ۷۰۰۰ نفر بود که با مراجعه به جدول مورگان تعداد ۳۶۵ نمونه با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای نسبی و سپس به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. و برای سنجش کارکردهای سبک‌های تفکر از پرسشنامه استاندارد سبک تفکر استرنبرگ استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۳ سوال می باشد، که سبک‌های تفکر را در سه سبک؛ قانونگذار، اجرایی، قضاوتگر می سنجند و همچنین برای سنجش انگیزش پیشرفت تحصیلی از پرسشنامه استاندارد انگیزش پیشرفت هرمنس (ویرایش شده) شامل ۱۷ سوالی استفاده شد. از روایی محتوایی برای تعیین روایی ابزارها استفاده شده است. بدین منظور از متخصصان آشنا

با موضوع تحقیق خواسته شد تا درباره روایی محتوایی پرسشنامه قضاوت کنند و در کل به این نتیجه رسیده شد که پرسشنامه مورد نظر، از لحاظ روایی محتوایی دارای روایی قابل قبولی است. جهت سنجش پایایی ابزار مورد استفاده از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. بر این اساس با اجرای آزمایشی پرسشنامه در نمونه ای با حجم ۳۰ نفر از طریق آلفای کرونباخ برای پرسشنامه کارکردهای سبک تفکر قانونگذار برابر با ۰,۸۲۲، کارکردهای سبک تفکر اجرایی برابر با ۰,۸۹۰، کارکردهای سبک تفکر قضاوتی برابر با ۰,۷۹۲، و برای پرسشنامه انگیزش پیشرفت ۰,۸۶ برآورد گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها در آمار استنباطی از آزمون کلموگروف اسمیرنف، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شد.

### یافته های تحقیق

شاخص های توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر نمره برای مولفه های سبک تفکر در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف استاندارد مولفه های سبک تفکر

مولفه های سبک تفکر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
کارکردهای سبک تفکر قانون گذار	۵,۰۹	۱,۰۲	۲,۲۵	۷,۰۰
کارکردهای سبک تفکر اجرایی	۴,۹۹	۱,۲۰	۱,۳۲	۷,۰۰
کارکردهای سبک تفکر قضاوت گر	۴,۷۷	۱,۰۱	۱,۴۳	۶,۸۶

چنانچه یافته های جدول شماره ۱ نشان می دهد: میانگین مولفه های سبک تفکر در دامنه عددی ۴/۷۷ برای مولفه کارکردهای سبک تفکر قضاوت گر الی ۵ / ۰۹ برای مولفه کارکردهای سبک تفکر قانون گذار بود که چون سوال ها، بر روی مقیاس ۷ گزینه ای لیکرت «فوق العاده خوب است = ۷ تا اصلاً خوب نیست = ۱» بود، در واقع ۴ حد وسط طیف ۷ گزینه ای لیکرت «تا حدودی خوب است» می شود. میانگین مولفه های سبک تفکر در دانشجویان بیشتر از متوسط بود. هر سه سبک تفکر در دانشجویان در حد خوب، خیلی خوب و فوق العاده خوب بود.

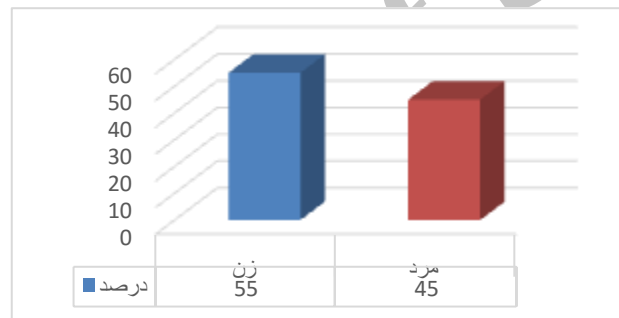
جدول شماره ۲: میانگین و انحراف استاندارد انگیزه پیشرفت

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
انگیزه پیشرفت	۲,۸۸	۰,۳۲	۲,۰۶	۳,۶۵

چنانچه یافته های جداول شماره ۲ نشان می دهد: میانگین انگیزه پیشرفت ۲/۸۸ بود. که چون سوال ها، بر روی مقیاس ۴ گزینه ای لیکرت «خیلی زیاد=۴ تا خیلی کم=۱» بود، در واقع ۲/۵ حد وسط طیف است. میانگین انگیزه پیشرفت از حد وسط بیشتر بود.

جدول ۳: توزیع فراوانی جنسیت دانشجویان

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۲۰۰	۵۵
مرد	۱۶۵	۴۵
کل	۳۶۵	۱۰۰

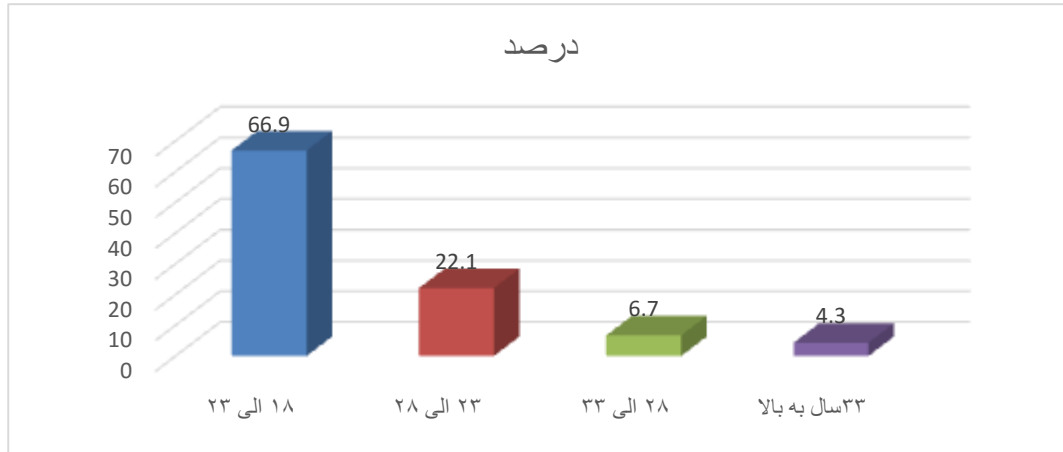


نمودار ۱: نمودار میله ای جنسیت دانشجویان

با توجه به جدول و نمودار فوق، دانشجویان شرکت کننده در این پژوهش ۵۵ درصد زن و ۴۵ درصد مرد بودند.

جدول ۴: توزیع فراوانی سن دانشجویان

سن	فراوانی	درصد
۱۸ الی ۲۳	۲۴۵	۶۶٫۹
۲۳ الی ۲۸	۷۹	۲۲٫۱
۲۸ الی ۳۳	۲۵	۶٫۷
۳۳ سال به بالا	۱۶	۴٫۳
کل	۳۶۵	۱۰۰



نمودار ۲: توزیع فراوانی سن دانشجویان

با توجه به داده های جدول و نمودار فوق، ۶۶/۹ درصد دانشجویان سن ۱۸ الی ۲۳ سال و ۲۲/۱ درصد ۲۳ الی ۲۸ سال و ۱۱/۰ درصد ۲۸ سال و بیشتر سن داشتند.

جدول ۵: ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه کارکردهای سبکهای تفکر با انگیزش پیشرفت در سنین مختلف

سن	تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت	تفکر اجرایی و انگیزه پیشرفت	تفکر قضاونگرو انگیزه پیشرفت
۱۸ الی ۲۳	**۳۱۴.	**۳۰۱.	**۲۴۱.
۲۳ الی ۲۸	*۲۳۲.	**۳۱۴.	۲۰۵.
۲۸ الی ۳۳	۲۷۹.	۲۸۵.	*۴۶۳.
۳۳ سال به بالا	*۵۹۳.	۱۲۴.	۰۳۹.

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

\* . Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول فوق نشان می دهد که:

- (۱) در دانشجویان سنین ۱۸ الی ۲۳ سال، رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود.
- (۲) در دانشجویان سنین ۲۳ الی ۲۸ سال، رابطه تفکر اجرایی و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود.
- (۳) در دانشجویان سنین ۲۸ الی ۳۳ سال، رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت کمتر بود.
- (۴) در دانشجویان سنین ۳۳ سال به بالا، رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود.

#### تأثیر جنسیت

جدول ۶: ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه کارکردهای سبکهای تفکر با انگیزش پیشرفت در زنان و مردان

جنسیت	تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت	تفکر اجرایی و انگیزه پیشرفت	تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت
زنان	**۳۴۰.	**۲۶۹.	**۱۸۱.
مردان	*۲۵۹.	**۳۴۱.	**۳۲۳.

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

\*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول فوق نشان می دهد که:

- (۱) در دانشجویان دختر، رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوتگر و انگیزه پیشرفت کمتر بود.
- (۲) در دانشجویان پسر، رابطه تفکر اجرایی و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قانونگذار و انگیزه پیشرفت کمتر بود.

یافته های حاصل از فرضیه اول پژوهش: بین سبک تفکر قانون گذار با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه سبک تفکر قانون گذار با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان

متغیرها	انگیزه پیشرفت دانشجویان	سطح معناداری
سبک تفکر قانون گذار	.۳۰۶	.۰۰۱

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۳ نشان می دهد که: رابطه ی سبک تفکر قانون گذار با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان مثبت است. یعنی هرچه سبک تفکر قانون گذار در دانشجویان بیشتر باشد، انگیزش پیشرفت تحصیلی او بیشتر است. این رابطه از لحاظ آماری معنادار است، چون سطح معناداری مشاهده شده برای این ضریب از  $0/05$  کمتر می باشد ( $r=0/306$  ،  $P < 0/05$ ). بنابراین فرضیه فوق تایید می شود. یعنی بین سبک تفکر قانون گذار با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

یافته های حاصل از فرضیه دوم پژوهش: بین سبک تفکر اجرایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه سبک تفکر اجرایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان

متغیرها	انگیزه پیشرفت دانشجویان	سطح معناداری
سبک تفکر اجرایی	.۲۹۸	.۰۰۱

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۴ نشان می دهد که: رابطه سبک تفکر اجرایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان مثبت است. یعنی هرچه سبک تفکر اجرایی در دانشجویان بیشتر باشد، انگیزش پیشرفت تحصیلی او بیشتر است. این رابطه از لحاظ آماری معنادار است، چون سطح معناداری مشاهده شده برای این ضریب از  $0/05$  کمتر است ( $P < 0/05$  ،  $r=0/298$ ). بنابراین فرضیه فوق تایید می شود. یعنی بین سبک تفکر اجرایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

یافته های حاصل از فرضیه سوم پژوهش: بین سبک تفکر قضاوتی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۹: ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه سبک تفکر قضاوتی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان

متغیرها	انگیزه پیشرفت دانشجویان	سطح معناداری
---------	-------------------------	--------------

سبک تفکر قضاوتی ۰۰۱ ۰۲۳۹

نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۵ نشان می دهد که: رابطه سبک تفکر قضاوتی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان مثبت است. یعنی هرچه سبک تفکر قضاوتی در دانشجویان بیشتر باشد، انگیزش پیشرفت تحصیلی او بیشتر است. این رابطه از لحاظ آماری معنادار بود، چون سطح معناداری مشاهده شده برای این ضریب از ۰/۰۵ کمتر بود ( $P < 0/05$ )،  $r=0/239$ . بنابراین فرضیه فوق تایید می شود. یعنی بین سبک تفکر قضاوتی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

یافته های حاصل از فرضیه چهار پژوهش: دیدگاه دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد رشت نسبت به رابطه بین کارکردهای سبک های تفکر با انگیزش پیشرفت بر اساس رشته تحصیلی متفاوت است.

جدول شماره ۱۰: ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه کارکردهای سبک های تفکر با انگیزش پیشرفت در رشته های مختلف

رشته	تعداد	تفکر قانون گذار و تفکر اجرایی و انگیزه تفکر قضاوت گر و انگیزه پیشرفت	پیشرفت	انگیزه پیشرفت
فنی و مهندسی	۶۳	*۲۸۶.	۰۲۳۳	۰۰۷۲
علوم پایه	۴۳	*۳۱۸.	*۳۳۲.	۰۲۳۸
علوم انسانی	۲۰۴	**۳۳۸.	**۳۲۵.	**۲۹۸.
کشاورزی و منابع طبیعی	۱۸	**۷۰۷.	۰۴۲۳	۰۳۶۰
هنر و معماری	۴۷	۰۰۱۰	۰۱۱۰	۰۰۹۴

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

\*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول شماره ۶ نشان می دهد که: در دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی، فنی و مهندسی و علوم انسانی، رابطه تفکر قانون گذار و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوت گر و انگیزه پیشرفت کمتر بود.



همچنین در دانشجویان هنر و معماری و علوم پایه، رابطه تفکر اجرایی و انگیزه پیشرفت بیشتر و رابطه تفکر قضاوت گر و انگیزه پیشرفت کمتر بود.

### بحث و نتیجه گیری:

شاید مهمترین مسأله ای که باید به آن آگاه و هوشیار بود، وجود سبک های تفکر متفاوت در افراد است. در واقع می توان با درک سبک های تفکر افراد، نحوه تدریس دروس در دانشگاه ها و سر فصل دروس را با نیازهای دانشجویان انطباق داده و باعث شد اکثر دانشجویان به حداکثر توان بالقوه خود و نمرات عالی دروس خود دست یابند. همچنین پر واضح است که انگیزش پیشرفت، باعث یادگیری، حرکت و تلاش فراگیران می شود (جان مارشال ریو ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۳) انگیزش پیشرفت، میل، اشتیاق و تلاشی است که فرد برای دستیابی به یک هدف یا تسلط به اشیاء و امور و یا افراد و اندیشه ها و رسیدن به یک معیار متعالی از خود ابراز می کند. انگیزش پیشرفت ممکن است گستره وسیعی از فعالیتها را در بر گیرد (پارسا، ۳۹۳)

همانطور که بیان گردید رابطه سبک تفکر و پیشرفت تحصیلی و در نهایت انگیزش پیشرفت، توجه زیادی را در سالهای اخیر به خود اختصاص داده است. پژوهش ها نشان داده است که برخی از شیوه های تفکر می تواند به عنوان عوامل پیش بینی کننده قابل توجهی از پیشرفت تحصیلی انگیزش بالا دانشجویان و عملکرد آنها به کار گرفته شود.

همانطور که بیان گردید وجود رابطه بین سبک تفکر و جنسیت و سن افراد و انگیزش پیشرفت در نظریه استرنبرگ آمده است. در این نظریه، مطرح می شود برای بهره گیری هر چه بیشتر فراگیران از مطالب درسی و در نتیجه افزایش انگیزه در او، حداقل بخشی از هر موضوع یا درس باید با سبک فکری آنها مطابقت داشته باشد. اگر مدرس بخواهد فراگیران آنچه را که می توانند، نشان دهند، در نظر گرفتن هماهنگی آموزش با سبک های تفکر یک امر اساسی است. رسیدن به تعامل واقعی با فراگیران، مستلزم انعطاف داشتن در تدریس برای سبک های مختلف تفکر است. به این معنی که مدرس باید مرتب از روش های مختلف تدریس استفاده نماید تا همه فراگیران با سبک های مختلف بتوانند به طور برابر از کلاس بهره مند گردند؛ این، همان چیزی است که میل و رغبت یادگیری را در فراگیران افزایش داده، باعث بالا رفتن انگیزش در آنها می گردد. در جایی دیگر، استرنبرگ بیان می کند هر فردی که با امر آموزش و پرورش سروکار دارد می داند که فراگیران به روش های متفاوتی فکر می کنند و یاد می گیرند و درک مدرس از این روش هاست که باعث ایجاد علاقه در فراگیران نسبت به امر یادگیری و در نهایت ایجاد و افزایش انگیزه می گردد. یافته های تحقیقات انجام شده توسط سایر محققین از جمله (کدیور و همکاران ۱۳۸۹)، (ابوالقاسمی نجف آبادی و همکاران، ۱۳۸۹)، (رضوی و شیری، ۱۳۸۴)، (قدم پور، ۱۳۸۵)، (امامی پور، سیف، ۱۳۸۲)، (کیم ۲۰۰۹)، (آلبیلی، ۲۰۰۷)، (برنادو و همکاران، ۲۰۰۲)، (زانگ، ۲۰۰۱)، (استرنبرگ و زانگ، ۲۰۰۱)، یافته تحقیق حاضر را تأیید می نماید. به عبارت دیگر، این افراد در پژوهش های خود به این نتیجه رسیدند که سبک تفکر به طور معناداری به پیش بینی موفقیت تحصیلی فراگیران (دانش آموزان و دانشجویان) کمک می کند.

در نهایت می توان گفت: موفقیت، موفقیت می آورد و افزایش موفقیت باعث افزایش انگیزه می گردد. همچنین با توجه به آموزش پذیر بودن و ارتقاء سبک های تفکر و رابطه ای که این نوع تفکر با انگیزه پیشرفت دانشجویان خواهد داشت، پیشنهاد می شود که به دانشجویان و اساتید آنان آموزش های لازم در خصوص سبک های گوناگون تفکر داده شده تا از طریق آموزش سبک های تفکر شاهد رشد انگیزه پیشرفت در نظام آموزشی گردد.

## منابع

- ابوالقاسمی نجف آبادی، مهدی؛ نظری فر، فرهاد؛ کمالی فر، هادی؛ حسینی هفشجانی، تورج (۱۳۸۹). کارکردهای سبکهای تفکر و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی در بین دانشجویان دانشکده های فنی - مهندسی و روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، فصلنامه برنامه ریزی دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان (اصفهان)، شماره ۲۵-صص ۲۰-۱.
- امامی پور، سوزان؛ سیف، علی اکبر (۱۳۸۲) بررسی سبکهای تفکر در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. مجله نوآوریهای آموزشی، شماره ۳ بهار ۱۳۸۲.
- پارسا، محمد (۱۳۹۳). انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات پیام نور
- جهانشاهی، ناهید؛ ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی رابطه بین سبک تفکر با سن، جنسیت، رشته تحصیلی و میزان تحصیلات در معلمان در مقاطع سه گانه ابتدایی، راهنمایی و متوسطه. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی.
- رضوی، عبدالحمید؛ علی شیری، احمد (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی رابطه بین سبکهای تفکر دختران و پسران دبیرستانی با پیشرفت تحصیلی آنان. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۲، سال چهارم.
- قدم پور، عزت اله (۱۳۸۵) تاثیر تعاملی روشهای مختلف سنجش و سبکهای یادگیری شناختی بر راهبردهای یادگیری، خود نظم دهی، نگرش و پیشرفت تحصیلی، رسال دکتری روانشناسی تربیتی. تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی علامه طباطبایی.
- کدیور، پروین و محمدجعفر، جوادی و ساجدیان، فاطمه (۱۳۸۹). رابطه سبک تفکر و خود- تنظیمی با انگیزش پیشرفت؛ فصلنامه تحقیقات روانشناختی. دوره ۲. شماره ۶ ص ۳۴.
- کشاورزی ارشدی؛ فرناز، امامی پور؛ سوزان، مظاهری کلهرودی؛ ناز مریم، تأثیر سبک های تفکر و جنسیت بر هوش هیجانی، فصلنامه روانشناسی کاربردی.
- مارشال ریو، جان (۲۰۰۱). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: موسسه نشر و ویرایش.
- Albaili, Mohamed, (2007) "Differences in Thinking Styles Among Low-Average and High- Achieving College Students", Educational Psychology, 20, pp. 323-339.
- Bernardo, Allan B.I & zhang, Li- fang & callueng, Carmelo M.,(2002) "Thinking Styles and Academic Achievement among Filipino Students. The Journal of Genetic Psychology, Vol. 163, No.2, pp.149-163.
- Grigorenko, E. and Sternberg, R. J.,(1995) Thinking Styles, In D. Saklofske and M. Zeidner o (Eds.), International Handbook of Personality and Intelligence, pp. 205-230), New York: Plenum Press.
- Horak, E., Toit, J. W. D. U.,(2002) "A Study on the Thinking Styles and Academic Performance of Civic Engineering Student", CSIR, Boutek, PO Box 395, Pretoria, 0001, South Africa.
- Kim, MIHYEIN.(2009).the relationships between thinking high school students. Doctoral dissertation. The college of William and mary in Virginia.
- Sternberg. J. R. et al.(2005), "Styles of Thinking as a Basis of Differentiated Instruction", Proqueat Educational Journals.



- Sternberg, R. J. (1997). Thinking styles. New York: Cambridge University press.
- Zanhg, Li-Fang & Sternberg, J. R., (2001) "Are Learning Approaches and Thinking Styles Related? A Study in Two Chinese Populations", *Journal of Psychology*, Vol. 34, pp. 464-490.
- Zhang, Li-fang, (2001) "Do Thinking Styles Contribute to Academic Achievement Beyond Self-rated Abilities", *The Journal of Psychology*, Vol. 135, No. 6, pp. 621-637.

Archive of SID